

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تفسیر موضوعی قرآن کریم

جلسه چهارم: معیار شناخت حقیقت

سید حمید حسینی

taalim.ir

- ضرورت معیار برای شناخت حقیقت
 - با توجه به فراوان بودن خطا در شناخت، اثبات امکان معرفت برای مقابله با شکاکیت کافی نیست. چرا که احتمال خطا نیز موجب شک می شود.
 - بسیاری از اختلاف نظرها ناشی از بی دقتی یا خطا در مبانی نیست؛ بلکه ریشه در زاویه دید و نظرگاه دارد.
 - اختلاف نظر میان دانشمندان و حتی تغییر دیدگاه‌هایی که روزگاری یقینی و مسلم شمرده می شدند، اهمیت این موضوع را بیشتر نشان می دهد.
 - رهایی از شکاکیت تنها با در اختیار داشتن ملاکی برای تشخیص حقیقت، امکان پذیر است.

• تعریف حقیقت

- دانشمندان مسلمان معمولاً حقیقت را «آگاهی مطابق با واقعیت» می دانسته اند.
- در دوره های اخیر اشکالات متعددی بر این تعریف وارد کرده اند و تعاریف دیگری را برای حقیقت بیان داشته اند. مانند:
 - آنچه مردم یک زمان بر آن توافق کنند.
 - شبیه آنچه اهل سنت درباره اجماع گفته اند (تصویب). بر خلاف شیعه (تخطئه)
 - پاسخ: امور واقعی تابع اراده و قرارداد افراد نیست.
 - آنچه هر کس از واقعیت برداشت می کند.
 - نه تنها اختلاف نظر گاه و برداشت های افراد متعدد متفاوت است، حتی یک فرد نیز ممکن است از یک موضوع دو برداشت داشته باشد.
 - پاسخ: واقعیت یکی بیشتر نیست و با برداشت های متفاوت تغییر نمی کند.
 - آنچه تجربه و عمل، آن را تأیید کند.
 - این دیدگاه واقعیت را بی اهمیت می داند و اثربخشی عملی را ارزشمند و ملاک حقیقت می شمارد.
 - پاسخ: نتیجه بخش بودن یک نظریه در صورتی نشان از حقیقت بودن آن دارد که احتمال فرضیه های دیگری وجود نداشته باشد. (مانند هیئت بطلمیوسی یا طب طبایع چهارگانه که با وجود نادرست بودن، در عمل نتیجه بخش بود).

• معیار حقیقت

- اکنون که پذیرفتیم حقیقت به معنی مطابق بودن شناخت با واقعیت است، این پرسش مطرح می شود که چگونه می توانیم به منطبق بودن آگاهی خود با واقعیت پی ببریم؟

- بر اساس منطق و فلسفه ارسطویی، معیار شناخت چیزی جز شناخت نیست و بازگشت همه آگاهی‌های نظری به آگاهی‌های بدیهی است.
- در دوره‌های اخیر معمولاً تنها معیار حقیقت را نتیجه‌بخش بودن عملی می‌دانند و می‌گویند هر نظری که به تجربه، کارآیی خود را ثابت کند، منطبق با واقع است و حقیقت شمرده می‌شود.
- با دقت بیشتر مشخص می‌شود نتیجه‌بخشی عملی را نمی‌توان ملاک حقیقت دانست. زیرا:

- اولاً: برخی از حقایق در خارج تحقق نمی‌یابد تا امکان آزمایش داشته باشد. مانند محال بودن دور.

- ثانیاً: شناخت‌های تجربی در نهایت به شناخت‌های بدیهی وابسته است.

- ثالثاً: همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، نتیجه‌بخش بودن یک نظریه در صورتی نشان از حقیقت بودن آن دارد که احتمال فرضیه‌های دیگری وجود نداشته باشد.

- دیدگاه قرآن کریم

- قرآن نتیجه‌بخشی و مفید بودن را لازمه حقیقت می‌داند:

• **أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حَلِيَّةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ (الرعد: ۱۷)**

- اما در هنگام بیان معیار حقیقت، بر دلایل منطقی و عقلانی تکیه می‌کند. قرآن کریم گذشته از صدها بار دعوت به تعقل و تفکر، تنها حجتی که در برابر مخالفان مطرح می‌کند، دلیل عقلی است:

• **وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (البقرة: ۱۱۱)**

- **أَمْ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ (الأنبياء: ۲۴)**

- وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (المؤمنون: ١١٧)
- أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَلِلَّهُ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (النمل: ٦٤)
- رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِنَّا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (النساء: ١٦٥)
- قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (يونس: ٦٨)